

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نیرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۷۵ - دوشنبه ۹۱/۱۲/۲۱

پاسخ نقض دوم

اوامر و نواهی برای تکمیل نفوس از طریق اختیار، تشریح شده‌اند و غرض از آنها تحقق مأمور به و عدم تحقق منهی عنه با اختیار مکلف است. بنابراین آنچه باید از طرف پروردگار صادر شود آن است که شارع باید کاری کند اگر مکلف بخواهد امثال اوامر و نواهی کند این امکان برای او وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت امکان امثال اختیاری از روی جبر و قهر، امری غیر ممکن است. آنچه که در اوامر و نواهی وجود دارد لزوم امثال تشریحی است که در لباب، به این امر برمی‌گردد که مکلف بتواند از امر و نهی مولا منبعث و منزجر شود و چنین چیزی در صورت علم پروردگار به عصیان مکلف وجود دارد؛ زیرا هرچند خداوند می‌داند این فرد با اختیار خودش منبعث و منزجر نمی‌شود، اما اگر امر یا نهی کند امکان انبعاث و انزجار برای مکلف حاصل است و همین امکان، غرض از امر و نهی است که حتی در صورت علم به عدم انزجار عملی، منتفی نمی‌شود. نتیجه آنکه امر و نهی در چنین شرایطی لغو نخواهد بود.

مرحوم سید خوبی راه حل دیگری نیز در رابطه با این اشکالات مطرح کرده‌اند که آن را در دوره‌ی سابق مورد نقد و بررسی قرار دادیم و راه حل ایشان را تمام ندانستیم. لذا جهت اختصار از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

همان‌گونه که در خروج از ابتلای عقلاً، بیان کردیم که با جریان اصل مؤمن در یک طرف بلامعارض، علم اجمالی فاقد اثر می‌شود، در مورد خروج عملی از محل ابتلا نیز می‌توان گفت اصل مؤمن در یک طرف بدون معارض جاری خواهد شد و در نتیجه علم اجمالی فاقد اثر می‌گردد.

نتیجه آنکه: اگر یکی از اطراف علم اجمالی از محلّ ابتلا خارج باشد (عملاً یا عقلاً) علم اجمالی منجز نخواهد بود؛ زیرا علم به تکلیف فعلی علیّ کلّ تقدیر نخواهد بود.

شبهه‌ی مفهومی و مصداقیه‌ی خروج از محلّ ابتلا

مرحوم شیخ انصاری مسئله‌ای را طرح کرده‌اند که اگر در موردی شک رخ دهد که آیا خارج از محلّ ابتلا است یا خارج نیست، مکلف چه وظیفه‌ای دارد؟

به تعبیر اصولیون شک یا به نحو شبهه‌ی مفهومی و یا به نحو شبهه‌ی مصداقیه است، که در ما نحن فیه با تسامح و جری بر منوال قوم این دو قسم را چنین می‌توان توضیح داد:

گاهی مکلف نمی‌داند خروج از ابتلا به چه معناست و از این جهت شک دارد که آیا أحد اطراف علم اجمالی خارج از محلّ ابتلا است یا خیر. در این صورت که شک ناشی از اجمال مفهومی است آن را شبهه‌ی مفهومیه‌ی خروج از محلّ ابتلا می‌نامیم.

ولی گاهی مکلف حقیقت و معنای خروج از ابتلا را به خوبی می‌داند و فرضاً می‌داند که اگر اناء مورد نظر در سه کیلومتری او واقع شده باشد از محلّ ابتلا یا خارج است، اما نمی‌داند اناء مورد نظر چه مقداری از او فاصله دارد. در این حالت، شبهه را شبهه‌ی مصداقیه‌ی خروج از محلّ ابتلا می‌نامیم.

شبهه‌ی مفهومیه‌ی خروج از محلّ ابتلا

شیخ رحمته‌الله می‌فرماید: اگر شک در خروج از محلّ ابتلا ناشی از شبهه‌ی مفهومیه باشد باید احتیاط کرد و علم اجمالی را منجز دانست؛ به دلیل آنکه خروج از ابتلا به منزله‌ی مخصّص منفصل است و در جای خودش اثبات شده است که اجمال مخصّص منفصل به عام یا مطلق سرایت نمی‌کند، در نتیجه هنگام شک به عموم عام یا اطلاق مطلق رجوع خواهد شد. در ما نحن فیه نیز وقتی مکلف علم دارد شارع فرموده است: «اجتنب عن النجس»، تنها در جایی که یقین دارد از این اطلاق خارج شده است مکلف آزاد است و لزوم اجتناب ندارد، ولی اگر در موردی شک شود که آیا این اطلاق، تقیید خورده است مرجع ما همان اطلاق «اجتنب عن النجس» است. مکلفی که علم دارد یا اناء مقابل او نجس است یا اناء در شهر دیگر، به مقتضای اطلاق «اجتنب عن النجس» باید از نجس مذکور اجتناب کند و اینکه شاید مخصّص و مقیّدی آمده باشد مانع از تمسّک به اطلاق نیست و علم اجمالی منجز است.

۱. فرائد الاصول (ط - مجمع الفکر)، ج ۲، ص ۲۳۸.

توجه به یک نکته در شبهه‌ی مفهومی

حقیقت آن است که شبهه‌ی مفهومی در جایی اطلاق می‌شود که لفظی از جانب شارع استعمال شده باشد و دارای معنای مجملی باشد و معلوم نشود که مفهوم این لفظ، اقل یا اکثر و یا مردّد بین دو شیء متباین باشد. اما اگر لفظی از جانب شارع نباشد بلکه یک درک عقلی وجود داشته باشد، شبهه‌ی مفهومی در درک عقلی معنا ندارد؛ زیرا خود معنا درک می‌شود. لذا شبهه‌ای که تقریر شد را نمی‌توان شبهه‌ی مفهومی به معنای رایج دانست، بلکه ملاک شبهه‌ی مفهومی در آن وجود دارد؛ به این معنا که عقل درک می‌کند که معنای خروج از ابتلا فی الجملة مانع فعلیت تکلیف است اما عقل نمی‌تواند به صورت دقیق مدرک خود را تبیین کند، بدین جهت مناطاً و معیاراً با شبهه‌ی مفهومی رایج و دارج یکسان خواهد بود.

لذا شیخ معتقد است از آنجا که درک عقل به منزله‌ی قرینه‌ی منفصله است و مقدار مانعیت آن از حکم فعلی نزد عقل معلوم نیست، در موارد شک باید به اطلاق یا عموم دلیل تمسک کرد.

اشکال بر کلام شیخ رحمته الله علیه در تمسک به اطلاق و تنجّز علم اجمالی

برخی بر شیخ اشکال کرده‌اند که به چه دلیل درک عقلی را به منزله‌ی قرینه‌ی منفصله قرار داده‌اید؟ این درک عقلی برای نوع مردم حاصل است لذا به منزله‌ی مخصّص متصل است و همان‌گونه که پذیرفته شده است که اگر قرینه‌ی متصله دارای اجمال باشد در شبهات مفهومی نمی‌توان به اطلاق یا عموم رجوع کرد، در ما نحن فیه نیز «اجتنب عن النجس» قرینه‌ی متصله‌ای دارد که دارای اجمال است و این اجمال به مطلق سرایت می‌کند و لذا نمی‌توان به اطلاق تمسک کرد.

دفع اشکال بر شیخ انصاری رحمته الله علیه

محقق عراقی^۱ و محقق نائینی^۲ در دفاع از کلام شیخ رحمته الله علیه فرموده‌اند: قرینیت خروج از ابتلا در مقام عمل (نه خروج عقلی) در عدم سعی تکلیف نسبت به موارد آن، به منزله‌ی مخصّص منفصل است؛ زیرا با تشکیل مقدمات و صغری و کبری به آن دست می‌یابیم و چیزی که با استدلال و دفع شبهه تثبیت می‌شود قرینه‌ی متصله نخواهد بود و لامحاله قرینیت آن به منزله‌ی مخصّص منفصل خواهد بود و در نتیجه در شبهه‌ی مفهومی مخصّص می‌توان به عموم عام یا اطلاق مطلق تمسک کرد.

۱. نهاية الافکار، ج ۳، ص ۳۴۲.

۲. فوائد الاصول، ج ۴، ص ۵۹.

به نظر می‌رسد این دفاع، صحیح باشد؛ زیرا میان خروج عقلی از ابتلا و خروج عملی از محلّ ابتلا تفاوت روشنی وجود دارد. اگر چیزی مثلاً به خاطر عدم مقدوریت از محلّ ابتلا خارج گردد هر عاقلی متوجه می‌شود تکلیف نسبت به آن اطلاق ندارد، اما در خروج عملی از محلّ ابتلا نیازمند تشکیل استدلال است و اینکه غرض از تکلیف چیست و یا موارد نقض، رفع شود تا ثابت شود که متعلّق تکلیف نباید عملاً خارج از محلّ ابتلا باشد. لذا قرینه‌ی لَبَّیْهِی منفصله محسوب می‌شود و مانع از رجوع به عام و مطلق هنگام شک نخواهد بود.

مقرر: سید حامد طاهری